

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ایهاب شوقی*
برگردان از: احمد مزارعی
۱۲ می ۲۰۱۹

آیا امریکا علیه ایران وارد جنگ می شود؟



از منتهای طولانی یک باور عمومی در اردوگاههای مختلف وجود دارد که جنگی که به دلایلی در منطقه تاکنون به عقب افتاده است در منطقه آغاز خواهد شد، و تنها مسأله زمان آن است، و گره درگیری موجود در منطقه تنها با یک جنگی گشوده خواهد شد که ابعاد آن از مرز منطقه شعله ور شده، فراتر خواهد رفت و طرفهای درگیر این جنگ نیز تنها کشورها نخواهند بود، بلکه شامل محورها خواهد شد و به طور مشخص دو محور تجاوزکارانه صهیو – امریکا و وابستگانش از یکطرف و محور مقاومت و پشتیبانانش از طرف دیگر خواهد بود.

آنچه را که ما در اینجا بحث می کنیم تنها باور فوق نیست چرا که این باور امری پذیرفته شده است، اگر چه محور مقاومت دانش آموزان جنگ نبوده و در این مسیر نیز نمی کوشند، اما کاملاً می دانند که این واقعیت وجود دارد،

لذا به طور دائم آماده بوده و ابزارهایش را فراهم می کنند، اما آنچه را که ما می خواهیم در اینجا بحث کنیم اینست که آیا زمان این جنگ فرا رسیده است؟ و این که تبلیغات جنگی رو به گسترشی که در منطقه درمورد وقوع جنگ به راه افتاده ، به مثابه کوبیدن طبل این جنگ است؟

ابتداء مناسب به نظر می رسد که ابعاد گوناگون این تبلیغات را بررسی و سپس بکوشیم به دستاوردی منطقی از این وضعیت برسیم.

ظاهراً تبلیغات گسترده را می توان اینگونه جمع بندی کرد :

۱ - فشرده و همه جانبه کردن محاصره ایران و تهدیدات در عالیترین نوع خود و کوشش در جهت مجبور کردن ایران تا به یک عمل نظامی دست بزند ، همچون بستن تنگه هرمز تا آنها بتوانند بهانه ای برای جنگ به دست آورند.

۲ - تبلیغات و ساختن گزارشات دروغین مبنی بر این که ایران خود را آماده می کند تا نیروهای امریکائی را مورد هجوم قرار داده تا بدینوسیله ناو هواپیمابر و بمب افکنهای بی ۵۲ خود را وارد منطقه کنند. (۱)

۳ - بازدید ناگهانی پمپئو از عراق و عملکردهای شک برانگیز دیگری مبنی بر لغو سفر عراق و رفتن به برلین و شایعه پراکنی پمپئو مبنی بر حمله قریب الوقوع علیه نیروهای امریکائی در عراق از طرف همپیمانان عراقی ایران در عراق.

۴ - اظهارات نتانیاهو مبنی بر تشدید مبارزه علیه ایران و این که اسرائیل اجازه نخواهد داد ایران به سلاح هسته ئی دسترسی پیدا کند.

شواهد فوق که مصادف با اعلان (معامله قرن) می باشد ، بر احتمال شروع جنگ سایه می اندازد و با تحلیل از وضعیت موجود تضادهای چندی را در اشکال زیر آشکار می کند که احتمال جنگ را بسیار ضعیف می کند: یکم : این که تضاد عمیقی میان تشدید محاصره از یکسو و تصمیم بر شروع جنگ وجود دارد، اگر امریکا تصمیم قطعی بر شروع جنگ علیه ایران داشت کوشش در جهت خفه کردن اقتصاد و محاصره آن نمی کرد. زیرا این سیاست یعنی محاصره و خفه کردن اقتصاد ایران گزینه ای در برابر جنگ است جنگی که بسیار خطرناک و دارای نتایجی نامعلوم است.

این تضادها را می شود در سخنان اخیر ترمپ نیز مشاهده نمود ، وی پس از صدور حکم اجرائی برای تحریمهای تازه که شامل محصولات معدنی ایران می شود، اظهار داشت که وی امیدوار است که ملاقاتی با رهبران ایران در زمینه هسته ئی داشته باشد تا بشود به توافقی همه جانبه و مشترک با یکدیگر دست یافت.

ترمپ همچنین از رهبران ایران درخواست نمود تا از «آرمانهای خود دست برداشته و عملکردهای مضر خود را تغییر دهند و به حقوق ملت خود احترام گذاشته و بر اساس حسن نیت به میز مذاکرات برگردند».

دوم : تصمیم امریکا مبنی بر ارسال ناو هواپیمابر و حضور نظامی در خلیج فارس ، در عین حال همراه با مضمونی آرام کننده و به دور از اظهارات تحریک آمیز بود، به طوری که مستشار امنیت ملی امریکا جان بولتون این اقدام امریکا را در مقابله با تهدیدات ایران و نه راه اندازی جنگ نسبت داد:

«ارسال ناو هواپیمابر و حضور نظامی امریکا در خلیج فارس برای مقابله با بعضی نگرانیهای رو به رشد بود. ارسال این مجموعه برای رسانیدن پیامی روشن به دولت ایران بود که هرگونه تهاجم آنها به منافع امریکا و یا هم پیمانانش با عکس العمل شدید امریکا همراه خواهد بود، امریکا در صدد جنگ با ایران نیست ، اما آمادگی دارد به هر

تهاجمی از طرف گردان قدس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران ویا سایر نیروهای نظامی ایران، پاسخ دهد».

این اظهارات بولتون همچنان که می بینیم حالتی دفاعی دارد.

سوم : همزمان با بازدید پمپئو وزیر خارجه آمریکا از عراق گزارشاتی انتشار یافت مبنی براین که عراق قرار است قراردادی به مبلغ پنجاه و سه میلیارد دلار با شرکت اکسون موبیل وپتروچاینا در جنوب عراق به امضاء برساند، پمپئو دراینمورد اظهارداشت این قراردادها ممکن است ارتباط انرژی میان ایران و عراق را از هم جدا کند.

این اظهارات پمپئو نشان می دهد که هدف تشدید محاصره اقتصادی ایران و فشار بر عراق که از این محاصره حمایت نماید که خود درجهت فشار اقتصادی است وگزینه ای دربرابر جنگ است و اگر هدف از این مسافرت شروع جنگ بود نوع این بازدید به گونه ای دیگر بود و شامل هیأت بزرگی از نظامیان می گردید.

چهارم : بیانات خصمانه نتانیاهاو علیه ایران بی ارتباط با جبهه داخلی وتشکیل حکومت اسرائیل نیست ، نتانیاهاو درمتوقف کردن راکتهای مقاومت عاجز ماند ومجبور شد آتش بس را با شرایط مقاومت فلسطین ببیند ، معلوم است که در برابر کشور بزرگی همچون ایران با امکانات نظامی گسترده وجود اردوگاههای گسترده ای از جبهه های گوناگون مقاومت در اطراف اسرائیل، چه وضعی برای اسرائیل به وجود خواهد آمد.(۲)

شکی نیست که تهدیدات امریکا و(اسرائیل) وضعف اروپائیا که از تعهدات خود سر باز زدند نتوانست ایران ومحور مقاومت را به عقب نشینی وادارد، ودرست یک ساعت پس از اعلام ترمپ مبنی بر اعمال تحریمهای تازه علیه ایران ، وزارت خارجه ایران اعلام نمود که درنظر دارد به صورت مرحله ئی از قرارداد هسته ئی خارج شود.

معاون وزیر خارجه ایران آقای عباس عراقچی در این زمینه توضیح داد که خارج شدن مرحله ئی به معنای خروج کامل از قرارداد هسته ئی نیست بلکه به معنای استفاده از ابزارهای داخلی قرارداد درجهت تأمین منافع ایران است. با این وصف ایران ومحور مقاومت از سیاستهای ثابت خود عقب نشینی نکرده وهمچنین از سیاست حکمت ، آرامش وصبر ستراتیژیک خود نیز ذره ای دست نکشیده اند.

تحلیل از وضعیت موجود می گوید که ما درمقابل یک دیپلماسی فشارنظامی ودرعین حال درمقابل یک مذاکرات از طریق ناو هواپیمابرومب افکنهای بی ۵۲ و نه میز مذاکره قرارگرفته ایم ودرعین حال در زمانی است که قرار است «معامله قرن» برای پایان دادن به قضیه فلسطین، انجام بگیرد وكوشش فراوانی به کار می رود تا راه را برجبهه مقاومت ببندند تا نتواند درمقابل این معامله ایستادگی کند، همچنین جبهه مقاومت فلسطین را مشغول نگه داشته وبالاجاد تفرقه ونا امید کردن آنها از یکسو وراضی نگهداشتن دشمنان ایران در منطقه به قصد همراهی آنها با خود بتوانند «معامله قرن» را به اجراء در آورند. با این حساب امریکا با درک خطای خود از صبر ستراتیژیک جبهه مقاومت وبه امید واهی خود به یک « خیزش عمومی درایران» درنتیجه فشارهای اقتصادی ، چیزی که باید درفکر ستراتیژیک امریکا دراینمورد تغییر کند وازپیروی تحلیلهای افرادی همچون جان بولتون وبازرگان نفتی پمپئو دست بردارد ، زیرا این سیاست به خارج شدن کنترل از دست آنها منجر خواهد شد.چون مذاکرات با وجود نیروهای نظامی وبسته شدن همه راههای مذاکرات سیاسی منجر به آن خواهد شد که یک خطای کوچک به جنگ بزرگی کشانده شود، جنگی که امریکا وهم پیمانانشان اولین نادمانش خواهند بود، جنگی که شاید بتوان گفت پایان رسمی مرحله هیمنه امریکا درخاورمیانه را اعلام خواهد کرد.

(۱) – همانروز که جان بولتون این خبررا منتشر کرد مک کنیث یکی از فرماندهان ارتش امریکا توضیح داد که این گزارشات امنیتی واز طرف اسرائیلیها بوده وكاخ سفید چنین اطلاعیه ای را نداده است.

(۲) - روز بعد از آتش بس مقاومت فلسطین در جنگ چند روزه اخیر غزه، دکتر زیاد نخاله، مسؤول شماره یک «جهاد اسلامی فلسطین» در یک مصاحبه یکساعته با تلویزیون المیادین شرکت کرد و در قسمتی از مصاحبه خود گفت ، ما با شروع جنگ وبه حسب پیشرفت جنگ راکتهائی با برد بیشتر به سرزمینهای اشغالی شلیک می کردیم، در آخرین روز ما تصمیم داشتیم با راکتهائی با برد طولانی شهر تل اوئو را مورد هجوم راکتی قرار دهیم که اسرائیلیها با حضور عجولانه در قاهره آتش بس و شرایط ما را پذیرفتند و برای مثال قرار بر این شد که از این پس به تظاهرات مسالمت آمیز هفتگی مردم غزه شلیک نکنند.

قابل ذکر است که چندی پیش شمخانی از مسؤولان عالیرتبه امنیتی ایران اظهار داشت که مقاومت فلسطین راکتهای نقطه زن در اختیار دارد

*- ایهاب شوقی، نویسنده و تحلیلگر لبنانی

نهم ماه می ۲۰۱۹